

متن پرسش

سلام علیکم: با عرض ادب و احترام محضر استاد طاهرزاده: پیام ارسالی یکی از دوستانمون که امسال توفیق داشتن به حج مشرف بشن را محضر شما و مخاطبان گرامی به اشتراک می‌گذارم و ممنون میشم نظراتان را بیان بفرمایید. با تشکر. رحمت و رضوان خدا بر قائد شهید ما که ایران و ایرانی، بلکه اسلام و مسلمین، مخصوصا شیعیان را عزیز کرد.

از وقتی اومدیم عربستان روزی نبوده که به خاطر ایرانی بودنمون بهمون احترام نذارن. توی مدینه: راننده مصری که با دستاش لایک نشون می‌داد و می‌گفت: ایران، أحب؛ ایران، مقاوم؛ بعدش صدای موشک درمی‌آورد. یا مغازه‌دار کنار هتل که وقتی از کنارش رد می‌شدیم، آروم می‌گفت: شیعه، عزیز. اون یکی مغازه دار که تحویلمون می‌گرفت و باهامون شوخی می‌کرد و آخرش می‌گفت: ببخشید، آمزح! اون جوون دانشجوی پاکستانی که کنار من نشسته بود و مشغول حل مسائل ریاضی بود؛ وقتی که بلند شد بره، با لبخند بهم گفت: ایرانی؟ ماشاءالله؛ انگار دلش می‌خواست اون یه ساعتی که کنار هم بودیم، باهام از عزت ایران بگه، اما دوربینای مجهز به هوش مصنوعی، مانع می‌شدن. اون چنتا افغانستانی که با فارسی حرف زدنشون، خودشون رو همزبون ما می‌دونستن و به این همزبونی افتخار می‌کردن و به هر بهانه‌ای باهامون هم‌کلام می‌شدن. اون پلیس داخل مسجد النبی که وقت نماز، در حالی که با بقیه برخورد خوبی نداشت، به ما اجازه می‌داد که روی سنگ‌فرش نماز بخونیم. اون پسر نظافتچی مسجد النبی که وقتی دید خیلی وقته دارم قرآن می‌خونم، برام یه لیوان آب آورد. اون پلیسای امر به معروف که تا می‌فهمیدن ایرانی هستیم، ترجیح می‌دادن خودشونو بزبن به اون راه. توی مکه: موقع اولین ورود به هتل، مراسم استقبال از کاروان کرمانی‌ها با شربت و شیرینی خامه‌ای همراه با پخش صوت رهبر شهید که سلام به چهارده معصوم میدن؛ پخش سرود جمهوری اسلامی که اینقدر برامون جالب بود که همه بلند تکرار می‌کردیم؛ بعدشم صلوات خاصه امام رضا علیه السلام. ورودی مسجد الحرام زن و مردی که ظاهراً اروپایی بودن، وقتی زنه پرچم روی دوشمون رو دید، با هیجان زد به شوهرش و گفت: نگاه کن ایرانی، ایرانی! بعدش شروع کرد فیلم گرفتن. بازم توی مسجد الحرام مثل مسجد النبی صدای ماشاءالله گفتن مردمی که می‌فهمیدن ما ایرانی هستیم. از همه اینا جالبتر، وقتی دیشب داشتم طواف مستحبی انجام می‌دادم، حس کردم یکی از پشت سرم دست گذاشته روی شونه‌ام؛ اولش توجه نکردم؛ چون توی اون شلوغی، برای اینکه نخوری زمین، گرفتن دیگران طبیعیه؛ اما وقتی دیدم خیلی وقته که دستشو بر نمی‌داره و داره شونه‌ام رو ماساژ میده، رومو برگردوندم، دیدم یه جوون قد بلند و رشید پشت سرمه و با لبخند و البته با احتیاط (به خاطر دوربینای

مجهز به هوش مصنوعی)، گفت: ایران، عزیز؛ نصرکم الله و مرتب دعا می‌کرد؛ بعدش شونه‌ام رو فشرد و از کنارم رد شد و گفت: ماشاءالله! جلو که افتاد، دیدم پشت لباس احرامش نوشته: شؤون الحاج العراقی خلاصه ما خیلی عزیزیم و این عزت رو مدیون اون مردی هستیم که دستش توی دست اهل بیت بود؛ پاشو جای پای اهل بیت می‌داشت؛ گوشش به فرمان ولی عصر بود؛ توکلش به خدا بود و ایران و ایرانی رو دوست داشت و همه ما رو عزیز کرد. □□□□□□

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این است آن صحنه و صحنه‌هایی که امام عزیز و رهبر شهید ما مدّ نظر داشتند که با سبک خاص خودشان یعنی متانت و دلسوزی و صبر نشان دادند ایران انقلابی و اسلامی یعنی چه. و از این جهت نیز ما باید با تقوا و وارستگی لازم، عامل دل‌سپردن مردم جهان به ایران باشیم که در بین خودمان تقوا را رعایت کنیم و از این جهت صادقانه از دلسوزان انقلاب و اسلام انتظار هست به اختلافات دامن نزنند و به گفته استاد مهدی محمدی آنچه نقشه دشمن را خنثی می‌کند اتحاد ملی و آمادگی روحی برای مجاهده در مقابل استکبار، و انسجامی است که ذیل دستورات رهبر انقلاب در میان است. <https://eitaa.com/mohammadi۶۱/۹۳۹> . با توجه به این امر، ما مطمئناً به آینده‌ای درخشان دست می‌یابیم. موفق باشید